

طبل غازی و جنگ گلادیاتوری

چرایی مخالفت تندروها با مذاکره



رحیم خستو

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد کرج

اینکه کنش ایران برای گفت‌وگو با آمریکا انتخاب است یا اضطرار، موضوع این یادداشت نیست. از این هم که پیشنهاد گفت‌وگو در بدو پیروزی ترامپ توسط ایران ارائه شده یا خیر؟ اطلاعی در دست نداریم، اما افشای نامه و نشر آن توسط ترامپ، زمینه‌ساز غلبه روایت اجبار ایران برای مذاکره شده است. تبدیل این روایت به روایت مسلط از سویی، ناشی از زیرکی ترامپ و از سوی دیگر، متأثر از ساختار تصمیم‌گیری پاپنهان‌کاری ایران است. اگر ادعای اول صحیح بوده و مورد کتمان و پنهانکاری طرف ایرانی قرار نمی‌گرفت، شاید می‌توانست پیام دیگری را منتقل کند و نتایج‌ها را به حاشیه براند. مهم اما مواضع برخی از تندروهای ایرانی است که هم‌زمان با نتایج‌ها در حال بر جست‌سازی گفتمانی هستند که نشستن پای مذاکره توسط ایران را پذیرش ننگ، خفت و تسلیم‌شدن قلمداد می‌کنند.

مواضع برخی از نمایندگان مجلس، برخی اتمه‌جمعه و روحانیون تندرو که اخیراً تریبون صداسو سیما را به لطف دولت در سایه قبضه کرده‌اند و تحلیلگران ساختگی و یک‌شبه صداسو سیما نمونه‌هایی هستند که بر این طبل می‌کوبند که اصل مذاکره را مضموم شمرده یا بیان می‌کنند مذاکره سرانجامی جز لیبی‌شدن در پی نخواهد داشت. اینجا سوال این است که اینها چه سودایی در سر دارند؟ و چرا شرایط روانی، حاکمیت را به سمت ناتوانی در تصمیم‌گیری سوق می‌دهند؟

قطعاً اینان به‌خوبی می‌دانند که اراده و تصمیم مذاکره یا عدم مذاکره و تأیید توافقات، با رهبری است و هیچ عقل سلیمی در داخل یا خارج، رئیس‌جمهور را عامل اصلی تعیین‌کننده سیاست خارجی نمی‌داند. (بنگرید به اشاره پوتین در دیدار با پزشکشان مبنی بر هماهنگی با رهبر یا نامه ترامپ که خطاب به رهبری ارسال شده است). افراط‌گرایان از یک‌سو سرنوشت لیبی را به رخ می‌کشند اما ظاهراً آگاهانه سرنوشت عراق را به فراموشی می‌سپارند و فکر می‌کنند حافظه ملت نیز به کوتاه‌مدتی حافظه آنان است. البته اگر پای منافع‌شان در میان نبوده و سخنگوی جریان رانت‌خوار نباشند (که معمولاً هدایایی ناقابل‌چون آپارتمان، املاک و پورشه هدیه می‌گیرند)، می‌فهمند که هیچ مذاکره و توافقی یا عدم‌مذاکره‌ای، حافظ بقای هیچ حکومتی نیست. نه سقوط حکومت لیبی که با خشم مردم سرنگون شد محصول مذاکره با آمریکا و غرب بود، نه سرنگونی صدام که با حمله آمریکا به عراق و با بی‌تفاوتی نزدیک به استقبال مردم عراق، روبه‌رو شد نتیجه عدم توافق با غرب بود.

ماندگاری و بقای هر حکومتی بستگی به پیوند حکومت و مردم دارد. البته تندروها سال‌ها چون موربان به رادیکالیسم، پایه‌های مشروعیت نظام را تضعیف کرده‌اند. آنها با برخی منابع حکومتی بلندگوهای پرسروصدایی دارند و صدایشان چون طبل غازی بلندآواز و میان‌تهی است و خود می‌دانند که مردم سال‌هاست به قیل و قال‌شان توجهی ندارند. البته جیغ‌هایشان چون طبل حلبی (کتاب گوته گراس)، آزاردهنده است اما هدف‌شان رساندن صدای جیغ‌شان به گوش حاکمیت است و البته مرعوب کردن تیم مذاکره تا این تیم را با دستان بسته به میدان جنگ گلادیاتوری بفرستند.

اینسان بعد از ناامیدی از ممانعت از مذاکره، به مبتدل کردن امر مذاکره روی آورده‌اند: مذاکره مستقیم باشد یا غیر مستقیم؟ در دو هتل باشد یا یک هتل؟ در دو اتاق باشد یا یک اتاق؟ عکس بگیرند یا نه؟ خبری منتشر شود یا نه؟ آنها می‌دانند ایران طی ۴۰ سال اخیر با آمریکا هم مذاکره مستقیم داشته، هم غیر مستقیم اما در خفا! نتیجه مجبور کردن تیم مذاکره‌کننده به پنهانکاری است و عدم خبررسانی یعنی غلبه روایت ترامپ که بی‌محبا اسرار هویدا می‌کند. اینگونه آمریکایی‌ها منبع صحت و سقم خبر می‌شوند، نه ایران و قطعاً با این وضعیت هر توافقی صورت بگیرد که منافع ایران هم تأمین شده باشد، ترامپ خود را فاتح قلمداد خواهد کرد. بعد از آن نیز افراط‌گرایان در ایران جشن گرفته و شراب مقدس به کام حاکمان ریخته و حاکمان ایران مجبور می‌شوند شام آخر را با یهوداها میل کنند. مذاکره ترسناک نیست بلکه ناامیدی، بی‌اعتمادی و جدایی حکومت از مردم و عصبانی کردن مردم که هنر افراط‌گرایان مدعی دوستی حکومت است، جدی‌ترین تهدید است. زمانی تیزی زبان مذاکره‌کنندگان گُند خواهد شد که احساس کنند حمایت ملتی پشتوانه کلام‌شان نیست.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



حاشیه‌های مهم تر از زیر ساخت

بررسی معضلات دختران بسکتبالیست در گفت‌وگو با دبیر فدراسیون و سرمربی آکادمی سحر

طرف دیگر، انگیزه ما زمانی بیشتر می‌شود که حمایت‌ها و اسپانسرهای بیشتری را در این رشته داشته باشیم. باید این تعامل طوری شکل بگیرد که اسپانسرهای نیز دلسرد نشوند.»

▼ حواشی ناخواسته

طی سه، چهار ماه اخیر اینستاگرام برای افراد مشهور تبدیل به پلتفرمی شده که برای شخص آنها حاشیه درست کرده است. «بسته‌شدن صفحات شخصی ورزشکاران» حالا موضوعی است که برای ورزشکاران آکادمی سحر هم رخ داده است. آنها بعد از قهرمانی آکادمی سحر در لیگ برتر، ویدئویی را در صفحات خود منتشر کردند که حرکات مرسوم در بسکتبال را به تصویر می‌کشید، اما «فرآگیر شدن» این ویدئوها باعث شد تا برخی با سوءاستفاده و هیجان دادن به آن، چالش بدی را برای ورزشکاران خانم ایجاد کنند. در آستانه مسابقات اردن، صفحات بازیکنانی که در این ویدئو حضور داشتند در اینستاگرام به دستور مقام قضایی بسته شد. سحر آغنده اما می‌گوید، دختران بسکتبالیست اصلاً هدف و نیت بدی نداشتند و از خوشحالی آنها، عده‌ای سوءاستفاده کردند: «طبعاً جامعه ما توقع دارد ورزشکاران خانم و آقا، الگو باشند. همین اتفاق نیز، خدا را شکر، رخ داده است. بچه‌های ما برای دل خودشان این ویدئو را بر کردند و به هیچ عنوان برای دیده‌شدن یا خودنمایی نبود. البته خوشبختانه باعث شد تا بسکتبال زنان بیشتر از قبل دیده شود ولی متأسفانه حواشی‌ای به‌وجود آمد که هدف بچه‌های ما نبود.»

محسن معزی فر، دبیر فدراسیون بسکتبال ایران نیز در گفت‌وگو با «هم‌میهن» در خصوص اتفاقات رخ داده و حواشی ایجادشده بر زنان ایران گفت: «رسانه‌های داخلی ما باید خردمندانه‌تر به این قضایا ورود کنند. ما نباید در تله تبلیغاتی رسانه‌های معاند بقیتم. چندی پیش هم متأسفانه رخ داده که تیم بانوان مادر شهر بانکوک جهت حمایت مصدومان حادثه شاه‌چراغ سکوت کردند و دست‌بند مشکی بستند، ولی متأسفانه این شبکه خارجی این خبر را طوری کار کرد که بچه‌های ما به‌خاطر مسائلی دیگر واکنش نشان داده‌اند و خیلی بی‌دلیل این مسائل را سیاسی کرد تا بچه‌های ما دچار هزینه شوند. به همین دلیل است که می‌گویم رسانه‌های ما باید حقیقت را بنویسند و بی‌دلیل هزینه‌تراشی برای ورزشکاران ایرانی نکنند. این بچه‌ها، دختران ما هستند، نه معاند. بچه‌های ورزشکار در بسکتبال تمام پروتکل‌های قانونی را رعایت می‌کنند.»

▼ حاشیه‌های مهم‌تر از زیر ساخت

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات تیم‌های زنان در حوزه ورزش، حمایت‌نشدن از سوی اسپانسرهاست. باتوجه به پیش‌نشدن مسابقات ورزشی زنان از سوی شبکه‌های سراسری، اسپانسرهای تمایل کمتری به فعالیت در حوزه زنان دارند. اینکه موضوع اینستاگرام دختران آکادمی سحر در نهایت حل شد، امری پسندیده و خوشایند است اما اینکه معاون رئیس‌جمهور به جای حل مشکلات کلان و توجه به زیرساخت‌ها باید به موضوعی ورود کند که به‌خودی‌خود نباید تبدیل به یک بحران شود، از آن‌دست اتفاقاتی است که نشان می‌دهد برخی افراد به دنبال ایجاد چالشی هستند تا مشکلات بزرگ‌تر به حاشیه بروند.

محسن معزی فر در خصوص ورود معاون رئیس‌جمهور به این ماجرا نیز این چنین گفت: «از طرف نهاد ریاست‌جمهوری، خیلی سریع این موضوع پیگیری شد. آقای عارف شخصاً به این موضوع ورود کرد تا با رفع سوءتفاهم‌ها بین آکادمی سحر و توضیحاتی که ما دادیم، شرایط بار دیگر عادی شود و بعد از تماس دفتر آقای عارف با نهادهای ذی‌صلاح، صفحات اینستاگرامی بچه‌ها بازگردانده و موبایل‌ها نیز تحویل داده شد.»

گفتنی است، تیم ملی بسکتبال زنان ایران که دست‌برقضا چند بازیکن آکادمی سحر را نیز در ترکیب خود دارد، برای حضور در مسابقات غرب آسیا عازم اردن شده تا در اواخر فروردین‌ماه ۱۴۰۴ با اردن و سوریه دیدار کند و تیم اول این مسابقات راهی دیویژن B با سطح دوم قاره می‌شود. سال گذشته تیم ملی بسکتبال زنان ایران، با نایب‌قهرمانی در سطح دوم این رقابت‌ها، یک گام برای رسیدن به سطح یک قاره آسیا کم آوردند. در این دوره احتمال اینکه بتوانند بار دیگر به مسیر موفقیت و چالش رقابت با برزگان آسیا بپردازند، کم نیست.



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

بسته‌شدن صفحات اینستاگرام چهره‌های هنری، موضوعی است که طی چند ماه اخیر بارها و بارها رخ داده است. بسته‌شدن صفحات اینستاگرامی نه به‌صورت خودخواسته بلکه به‌دستور مقام قضایی بنابه دلایلی که «خارج از عرف عمومی» عنوان شده، رخ می‌دهد. کمتر کسی تصویری کرد که ورزشکاران نیز شامل چنین قانون نانوشته‌ای شوند اما این اتفاق برای دختران آکادمی سحر که اکثر آن‌ها ملی‌پوشان بسکتبال ایران هستند، رخ داد. بعد از قهرمانی آکادمی سحر در لیگ بسکتبال ایران چند بازیکن این تیم با انتشار ویدئویی، به‌نوعی شادی قهرمانی مرسوم در بسکتبال را به تصویر کشیدند که همین امر باعث شد صفحات آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی بسته شود. با دخالت محمدرضا عارف، معاون رئیس‌جمهور اس‌و‌تفاهم‌ها برطرف شد. در این گزارش علاوه بر بررسی این ماجرا، گفت‌وگویی با سرمربی تیم بسکتبال آکادمی سحر، همچنین دبیر فدراسیون بسکتبال ایران انجام دادیم تا روند حل‌وفصل شدن این اتفاق را نیز جویا شویم.

▼ درخواست حمایت از تیم خصوصی

تیم آکادمی سحر یکی از تیم‌های خصوصی‌ای است که سال گذشته در جمع هشت تیم برتر، موفق به کسب عنوان قهرمانی در لیگ برتر شد. سرمربی این تیم اما از عدم توجه ویژه به بسکتبال زنان ناراضی است و می‌گوید، اگر از ورزش زنان حمایت شود طبعاً انگیزه بازیکنان نیز افزایش می‌یابد. سحر آغنده، سرمربی تیم بسکتبال «آکادمی سحر» در گفت‌وگو با روزنامه هم‌میهن گفت: «تیم آکادمی سحر که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند، در یک سال گذشته عملکرد بسیار خوبی داشت که در نهایت منجر به قهرمانی ما در لیگ برتر شد. قبل از شروع فصل اصلاً تصور نمی‌کردم که کیفیت تیم‌ها تا این اندازه خوب باشد اما واقعاً رقابتی ما تا ثانیه آخر جنگیدند و رقابت کردند و اتفاقاً همین رقابت باعث شد قهرمانی ما بیش از قبل لذت‌بخش باشد. متأسفانه در خصوص حضور اسپانسرها باید بگویم که به ورزش زنان به‌خصوص در بسکتبال، ظلم شده است چون آنطور که باید توجه ویژه‌ای به ورزش زنان نمی‌شود. لیگ برتر این فصل بد نبود و پویا بود. تیم‌هایی مثل یزد و هرمزگان، به لیگ بسکتبال زنان اضافه شده بودند و انگیزه کار می‌کردند و این موضوع بسیار خوب بود. امیدوارم برای مربیان و داوران، کلاس‌های دانش‌افزایی داشته باشیم. ما مربیان باید سواد خود را بالا ببریم و فرقی نمی‌کنم مربی تهران باشد یا شهرستان؛ دوست دارم فدراسیون حمایت کند و از نظر فنی، سبب رشد مربیان شود. مربیان خوب و بااستعدادی در کشورمان وجود دارند که اگر از آنها حمایت شود، می‌توانند به رشد بسکتبال زنان کمک کنند.»

▼ حمایت از بسکتبال زنان

یکی از مشکلات بزرگی که ورزش زنان دارد این است که اصولاً مسابقات به‌صورت زنده از شبکه‌های سراسری صداسو سیما پخش نمی‌شود، بنابراین اسپانسرهای نیز ترغیب نمی‌شوند قدمی بردارند چرا که طبعاً اسپانسری که در بخش زنان هزینه کند، دنبال این است که برند او بیش از پیش معرفی شود که این اتفاق در بخش ورزش زنان رخ نمی‌دهد.

سحر آغنده، سرمربی تیم آکادمی سحر، موافق این مسئله است و البته با دغدغه و نگرانی بیشتری معتقد است که حداقل در این بخش به ورزش زنان به‌خصوص در بسکتبال، ظلم شده است: «تأراحت‌کننده است که

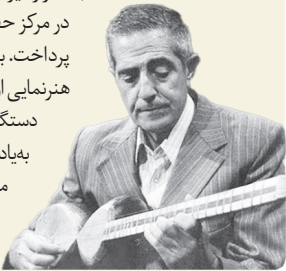


از بسکتبال زنان حمایت نمی‌شود! دوست دارم تا حامیان مالی بیشتری جذب شوند. در بخش مردان چندین برابر زنان هزینه می‌شود؛ زیرا اشتیاق بیشتری برای تیم‌داری در این بخش وجود دارد. این موضوع یک نقطه منفی برای بسکتبال زنان است، امیدوارم که حمایت بیشتری صورت بگیرد و حامیان مالی گوشه‌چشمی به بسکتبال زنان داشته باشند. دختران ما، تمام قوانین مربوط را رعایت می‌کنند تا حاشیه‌ای نیز شکل نگیرد اما از

چهره

بزرگ بود و مهربان

امروز ۲۴ فروردین‌ماه، سالروز درگذشت غلامحسین بیگجه‌خانی، نوازنده صاحب‌سبک تار و استاد مکتب تبریز موسیقی ایرانی است. بیگجه‌خوانی آموختن تار را از شش سالگی نزد پدرش آغاز کرد و بعدها نزد شاگردان او، کار آموختن را ادامه داد. او در دوران جوانی با گوش سپردن به آثار میرزا حسینقلی، درویش‌خان، مرتضی‌نی‌داوود و علی‌اکبر خان شهنازی در قهوه‌خانه‌ای که کار می‌کرد، با ساز این استادان آشنا شد. گفته می‌شود او ضرب هوشی بسیار بالایی داشت و به‌محض شنیدن یک قطعه ضربی دشوار، آن را بدون نقص اجرا می‌کرد. همین یادگیری گوش‌ی و تمرین‌های بسیار، از او نوازنده‌ای ماهر و تکنیکی ساخت. بیگجه‌خانی مدتی سرپرست ارکستر رادیو تبریز بود، بعد در رادیو ایران مشغول به‌کار شد و مدتی نیز در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی به تدریس پرداخت. بیگجه‌خوانی آثار ماندگار زیادی دارد. هنرنمایی او در قسمت دوم آلبوم «پیداد» در دستگاه همایون با آواز محمدرضا شجریان به‌یادماندن است. این هنرمند بزرگ و مهربان ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۶۶ در تبریز، شهر زادگاهش درگذشت.



کتابخانه

نمایشنامه‌ای اسپانیایی

نمایشنامه «انبارشدگان» نوشته دابید د سولا، با ترجمه پژمان رضایی در ۷۹ صفحه و با قیمت ۱۲۰ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شد. «انبارشدگان» در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و نشر نی در سال ۱۴۰۳ ترجمه آن را منتشر کرد. این کتاب که توسط پژمان رضایی ترجمه شده، یک نمایشنامه اسپانیایی است. در بخشی از این نمایشنامه چنین می‌خوانیم: «این‌جا توی انبار فقط به صندلی هست، اون هم متعلق به کسیه که ارشدیت داشته باشه. من مجبور شدم ۱۱ سال سرپا بایستم تا مسئول قبلی بازنشسته بشه. تو خوش‌شانسی، خیلی. فقط باید پنج روز سرپا باشی، بعد می‌شینن سر جای من. امروز همه‌چی برای جوون‌ها ساده‌ست. من مجبور شدم ۱۱ سال صبر کنم / چند وقته که توی این انبار کار می‌کنی؟ ۲۹ سال. ۱۱ سال شاگرد، ۱۸ سال مسئول.» دابید د سولا، متولد ۱۹۷۱ نمایشنامه‌نویس و کارگردان اسپانیایی است. پژمان رضایی، مترجم و نمایشنامه‌نویس، متولد ۱۳۵۸ فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات اسپانیایی است.



انبارشدگان

نویسنده: دابید

د سولا

مترجم: پژمان رضایی

انتشارات: نی

تاریخ

آغاز سومین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا



۲۴ فروردین‌ماه ۱۲۶۸ خورشیدی، سومین سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا آغاز شد. او پیش‌تر دو بار در بهار ۱۲۵۲ و بهار ۱۲۵۷ نیز راهی چنین سفرهایی شده بود.

این سفرها نخستین مسافرت یکی از پادشاهان ایرانی به اروپا بود. فکر این سفرها را نخستین‌بار میرزا حسین‌خان سپهسالار در ذهن شاه انداخت، زیرا بر این تصور بود که پادشاه با دیدن ترقیات بلاد فرنگ، بر پذیرش اصلاحات در ساختار حکمرانی کشور رضایت خواهد داد. نتیجه سفر نخست البته چندان که سپهسالار برآورد کرده بود، نبود و از قضا او در بازگشت به ایران، تحت فشار درباریان، زنان قدرتمند حرم‌سرا و مجتهدان مشهور تهران چون ملاعلی کنی، ناچار به استعفا شد، با این همه فکر مسافرت به فرنگ از ذهن شاه خارج نشد و وقتی او از سوی رئیس‌جمهور فرانسه، از سوی الکساندر سوم امپراتور روسیه تزاری و سران چند کشور اروپا و سلطان عبدالحمید پادشاه عثمانی برای بازدید از آن کشورها دعوت شد، مقدمات سفر سوم را چید. بعدتر دعوت ملکه انگلستان هم بدین دعوت‌ها افزوده شد و بدین ترتیب سفر شش‌ماهه ناصرالدین‌شاه آغاز شد.